

# هنر و تکنیکهای خلاقیت و کارآفرینی در جهت ارتباط با مخاطبین

نویسنده: مسیب داوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر

این یک تکلیف مذهبی برای هر فرد و گروهی است که توانایی انجام دادن آن را دارند. بی توجهی به هنرهای اصیل دینی، در عصر حاضر نمی تواند اصالت های واقعی آنها را از بین ببرد و کسانیکه به فهم و معرفت زیر بنای هنرهای دینی نایل آمده اند، به لذتی به مراتب بیشتر از آنانیکه، زیبایی ظاهری توجه دارند دست یافته اند. اسلام نه تنها موافق کارآفرینی است، بلکه کار آفرینان مسلمان می توانند با رعایت دستورات الهی، موفق تر و موثرتر از کار آفرینان دیگر جوامع و ادیان ایفای نقش کنند. در کارهای احساسی و عاطفی مثل مشاغل هنری، (هنرمندان)، از طریق ارائه (خلاقیت های) هنری خود مخاطبان را تحت تاثیر قرار داده و احساسات و عواطف آنها را در ارتباط با موضوع مورد خطاب، جلب نموده و از این پیامها، اهداف و مقاصد خود را منتقل نمایند. گرچه اکثر کارها و مشاغل تنها یک سلسله عملیات یا یک روند مقرر شده نیستند، بلکه یک سلسله «روابط اجتماعی» هم وجود دارد که غالباً این روابط اجتماعی کار شخص را برای وی مهم و با معنی می سازد. یعنی غالب مردم می خواهند علاوه بر تأمین نیازهای مادی زندگی شان توسط کار، ارزش های معنوی را نیز حاصل نمایند. هنر ذاتاً یک دارایی نیست و آن را نباید طرفی قابل انتقال حاوی ارزش های اقتصادی و فرهنگی، آنچنانکه بطور سنتی در فرهنگ سرمایه داری غربی بوده است، پنداشت؛ بلکه هنر را باید در جایگاه یک یاریگر تجربیات عینی و احساسی نشانده. در این منزلت، هنر راهی است که به نوعی تزکیه در انسان منتهی می شود.

## ویژگی و راز هنر مدرن و جهانی شدن

عصر جدید با ظهور نوعی هنر که عمدتاً دغدغه «محتوایی» دارد، آغاز گردید. اگر چه این نوع هنر جدید اغلب کارکرد تبلیغاتی و سیاسی داشته است. هنر مدرن نه تنها بندرت تماشاگر فرهیخته را مخاطب قرار می دهد، بلکه بسیاری از آثار آن، با پیام های روشن و استفاده از واسطه های ساده با مخاطب «رابطه» برقرار می کند. وانگهی هیچ دوره ای (بیش از دوره ی مدرن) دلمشغول مسئله «تاثیر گذاری ارتباطی» نبوده است. علاوه بر آن چون هر اثر هنری می تواند ارزش خاص خود را داشته باشد. لذا دیگر فقط شاهکارهای هنری اهمیت نخواهند داشت. خصلت موضوع گرایی هنر معاصر را با علائق مردمی در هم آمیخته و ریشه در زندگی شهری جدید یافته است.

در عصر جدید و در هزاره نوین، هنرمند خود، در مرکزیت ابداع هنری قرار گرفته است، نه اثر هنری. این امر مرهون نوآوری های جدید در هنر است و از ظهور نهادهای نوین هنری سرچشمه گرفته است. مخاطبان متفاوت و کانونهای جدید هنری نیز نتیجه همین نهادهاست. در ظهور هنر جدید، تکامل خیره کننده تکنولوژی های ارتباطات و بسط رسانه های جدید همچون عکس، ویدئو و اینترنت و عوامل دیگری همچون کارآمدی رو به گسترش کتابها و مجلات هنری و سیستم های جدید ارتباطی، همگی حرکت «جهانی شدن» در هنر را تسریع بخشیدند و در آشنا ساختن هر

قلندران طریقت به نیم جو نخرند  
قبای اطلس آن کس که از هنر عاری است.

## (حافظ)

هنر نیز به گونه هر پدیده ای دیگر، از دلایل وجودی و روند تحولی و تکاملی برخوردار است و طی تاریخ، همگام با دگرگونی اجتماعی به فراخور کارگزاری خود، محتوا و شکلی ویژه کسب می کند. هنر مانند علم، موافق مقتضیات زندگی انسان تحول می پذیرد و در هر زمان شناخت جدید بدست می دهد. این شناخت جدید نیز به نوبه خود مقتضیات علمی جدید را ایجاب می کند و به تغییر زندگی اجتماعی می انجامد. آثار هنری که نشانه ارزشمندی تمدن و پیشرفت جوامع انسانی اند، ارزشهای والایی هستند که سیر تمدن را نشان می دهند و اسنادی هستند که می توانند در جهت پیشبرد دانش بشری مورد مطالعه قرار گیرند. البته درک این که اثر هنر منشأیی پس فراتر از موجودیت مادی دارد، دارای اهمیت اساسی است. ابزارهای هنری، بی شک رساترین، بلیغ ترین و کاری ترین ابزار ابلاغ، تبلیغ، گسترش و ماندگاری هر پیام، تمدن و هر فرهنگی است.

## راز هنر ایرانی:

اگر بخواهیم راز و حکایت تداوم حیات ایرانی را بیابیم، وجود دو ویژگی عمده و اساسی است: نخست آشکاری اعتقادات و اخلاق دینی جامعه و دیگری نمایانگر بودن جلوه ای از خلاقیت تاب و سراسر احساس و معنای هنرمندانی است که با درک و دریافت خواست و اعتقاد مردم، و به مدد ایمان صاف و زلال خویش، همواره رابطه ای تنگاتنگ و پر دوام میان خود و مردم، با استفاده از عالم پر کشش و سراسر لطف و زیبایی هنر برقرار ساخته اند.

## راز هنر اسلامی و هنرهای اصیل دینی:

اسلام استفاده از عناصر سازنده فرهنگی و علمی برای کشف و یا وصول به واقعیات و بهره برداری از حقایق و واقعیات مربوط به ضرورتها، ارزشها و زیباییها را نه تنها مفید و سازنده می داند، بلکه حتی از دیدگاه اسلام

هنری را به حساب نمی آورند، از جامعه شناسی هنر کنار گذاشت.

### - هنرمند و زندگی جمعی

درک مسأله رابطه هنر و زندگی جمعی برای بررسی آفرینش هنری اهمیت بنیادی دارد، چرا که در همین مناسبات میان هنر و زندگی اجتماعی است که یک اقدام متقابل کمابیش موفقیت آمیز صورت می گیرد؛ از یک طرف، روند فعالیت ذهنی منطبق بر تجربه اجتماعی یعنی مفهوم کامل «خلاصیت» فردی در لحظه ابداع زیبایی شناختی و از طرف دیگر، دریافت توانایی این خلاصیت به ایجاد رابطه و پیشنهاد مفاهیمی که بتوانند تجربه جمعی گروه‌های مختلف و حتی کل جامعه را با هم یکی کنند.

### - رابطه، ارزش دینامیک هنر

گمراه کننده خواهد بود اگر جامعه شناسی هنر را تنها با جنبه‌های «باستان شناسانه» آن تبیین کنیم و با خصوصیات عملی اش کاری نداشته باشیم. مفهوم یک اثر هنری تنها به منشاء آن محدود نمی شود، بلکه این مفهوم در هدف و مقصود آن نیز هست، یعنی اینکه به چه چیزی می خواهد دست یابد و تا چه اندازه می خواهد بر دید و برداشت دیگران تأثیر بگذارد. این کوشش عملی، کار ساز و فنی برای ایجاد رابطه از طریق عنصر مشخصی که کل رابطه نیست اما نشانگر آن است، بدان معنی است که اثر هنری کمابیش بصورت یک سیستم منسجم از فعالیت‌های ضمنی یا علنی در می آید که هدفشان ایجاد رابطه ای واقعی است. این همان چیزی است که اثر هنری را دارای ارزشی دینامیک می کند که شاید حتی خود هنرمند هم از آن خبر نداشته باشد. در نتیجه این رابطه، وحدت میان جامعه و هنر آن چنان تنگاتنگ می شود که در جریان جشنواره های عمومی یا آیین های فصلی، هنر و جامعه با هم یکی می شوند و هویت یگانه ای می یابند.

### - هنرمند و ایجاد رابطه در جامعه صنعتی

در جامعه صنعتی، جایی که بیان هنری با طبقه بندی اجتماعی و با تعدد مخاطبان و شرایط گوناگون رو در رو است، جایی که طبقه ممتاز گذشته (که پیشتر قدرت تعیین ارزش ها و رواج سبکها در دست آنها بود) در حال زوال است. در جایی که هنرمند مخاطبان هر چه گستره تری دارد که وسایل ارتباطی (مانند: ادبیات، موزه ها، فیلم، رادیو، تلویزیون و...) امکان درک و مقایسه وسیع تری را در اختیارشان قرار می دهد. در چنین جامعه ای آنچه در گذشته ها ویژگی هنر جلوه می کرد، در حال محو شدن است، در نتیجه، یافتن راه های تازه ای (برای ایجاد رابطه خلاق) از سوی هنرمند ضرورت می یابد.

### - مخاطبان هنر

یکی از زیانبارترین توهمات این است که بیان هنری را نوعی فعالیت تخصصی بدانیم که کاملاً با واقعیت مسایل جاری جامعه بیگانه است. به گمان ما، برعکس، هر گونه آفرینش هنری در هر سطحی که انجام پذیرد، مستقیماً با آزادی جمعی و گروه های انسانی مرتبط است. باید این واقعیت را پذیرفت که هنر روز به روز بیشتر و ژرف تر در زندگی اقتصادی و اجتماعی ریشه می دواند و قطعاً امروزه، فشار مردم و «مصرف کنندگان» هنر بر هنرمند بیش از هر زمان دیگری است. اما این امر هرگز به معنای یکی گرفتن عقاید متوسط و سطحی با توقعات و نگرش های اصیل هنر

چه بیشتر مخاطبان با آثار هنری در سراسر جهان بسیار موفق عمل کردند. در بحث تعامل هنر و تکنولوژی، باید گفت، این رسانه های جدید آفرینش هنری را به سوی عرصه های فراتر از مرزهای شناخته شده سوق داده و محدوده های سنتی در هنر و زیبایی را به شکل متهورانه ای در نور دیدند. خلصت «موضوع گرایی» و گرایش به طرح مسایل انسانی و اجتماعی و تعهد گرایی و پرداختن به موضوعات مهم جهان همچون تکنولوژی، خطرات هسته ای، کشتار جنگ ها، محیط زیست، آزادی و... نوعی رجعت هنرمند معاصر به شمار می رود. اکثراً هنر را صرفاً وسیله ترین، تفریح و سرگرمی می دانستند و عده ای نیز هنر جدید را مشتکی کارهای نامستولانه و خودسرانه می دانند اما ما عقیده داریم که: انگیزه و محرکی خاص و منبعی الهام بخش، هنرمند را از دیگر انسانها ممتاز می کند و منشاء اثر می سازد. لذا بخاطر اعتماد و ایمان کامل مخاطبان، هنرمند اندیشمند، بایستی آرمان خود را نه بر کامیابی دنیوی و نه بر دنبال کردن ایده ها هنرمندانه خویش، بلکه بر هدفی انسان دوستانه متمرکز سازد و خود را از توقعات کاذب و جانبداری های ناپجا رها سازد. زیرا هنر وسیله ای برای پالایش و اعتلای روح آدمی و ایجاد اثر گذاری های مثبت اخلاقی، آموزشی در جامعه است.

### - رمز باور هنرمندان

بدیهی است رابطه میان آفرینش هنری و واقعیت بیرونی همواره پذیرفته است، چه در غیر اینصورت نمی توان هنر را چیزی بیشتر از رؤیا پروری حسرت آمیز دانست. چه کسی می تواند در این باره شک کند که بیان تجسمی یا تخیلی به چنین رابطه ای با واقعیت نیاز دارد؟ تنها چیزی که موقعیت هنرمند را تضمین می کند این است که تا چه حد توانسته باشد گروهی از مردم را متقاعد کند که او را باور کنند و کارش را بفهمند و به آن واکنش نشان دهند، از اینرو هنرمند نمی تواند به ارزش های این گروه بی تفاوت باشد.

### - دوروش تعیین اصالت کار هنری

هنگامیکه از یگانگی آفرینش هنری سخن می گوئیم، منظور ما کار هنری به همان نحوی است که در شبکه پیچیده روابط انسانی و گروه های اجتماعی متفق یا متضاد و در سطح بسیاری از «رؤیا» های تجربه هر روزه به اجرا در می آید. اصالت کار هنری در آن است که در چنین چهارچوبی قرار بگیرد، اگر از ما پرسیده شود که برای تعیین اصالت اثر هنری چه باید کرد؟ پیشنهاد این است که در این راه دو عامل بررسی شود: اول - نیروی اعتقاد به یک کار (با توجه به هدفهای ضمنی اش) و دوم - جدایی این اعتقاد از هر گونه ملاحظه مالی، سیاسی و ایدئولوژیک، عبارت دیگر، یک کار اصیل هنری نمی تواند توجیه کننده هیچ فعالیت دیگری غیر از خودش باشد. با تکیه به این تعریف از هنر می توان بسیاری از انواع «فلسفه هنر» و «زیبایی شناسی» را که طبیعتاً کاملاً مستقل آفرینش



دوستانه نیست. همچنین نباید این تصور پیش آید که لزوماً و در همه عرصه‌ها و صحنه‌ها، هنرمند با نظر خواهی از «مصرف کنندگان» به نیازهای زیبایی شناختی واقعی پی ببرد.

## - نیاز جامعه امروز به هنرمند خلاق و کار آفرین

امروز، طراح باید بین هنر و مردم به معنای زنده اش، رابطه‌ای را برقرار کند که از مدت‌ها پیش از میان رفته است. از این پس هنر فقط تابلویی برای تالارها نیست. به این معنی که چیزهای زیبا برای تماشا باشند و چیزهای زشت برای استفاده، هنر نباید از زندگی جدا باشد. اگر آنچه را که استفاده می‌کنیم و در زندگی بکار می‌بریم با هنر عجین شده باشد، چیزی برای پنهان کردن نخواهیم داشت. لازم است روشن شود تا زمانی که هنر نسبت به مسائل زندگی بیگانه باشد، به ناچار علاقه‌مندان انگشت شمار خواهد داشت. هنرمند رابطه بین هنر و مردم به معنای زنده اش می‌باشد لذا هنرمند باید ضمن برخورداری از فنون و روش‌های کار امروزی به یک انسان فعال و مردمی تبدیل شده و بدون رها کردن حس ذاتی زیبایی شناختی خود، با فروتنی و قدرت و کارایی، پاسخگوی مسائلی باشد که در پیرامونش مطرح می‌شود.

## - هنر خلاق بعنوان شغل، حرفه و فن کاربردی:

امروز زندگی سریعتر از گذشته تغییر می‌کند. از این رو باید برای خلق آثاری با محتوا، در سطح مردمی و در عین حال تخصصی کوشید. روش‌هایی که راهگشای روابط نتیجه بخش مسایل زیبایی شناسی با مسایل جامعه و بهبودی شرایط زندگی را فراهم می‌آورند. امیدواریم که هنرمندان در جهت گسترش آثارشان، هر روز در رابطه با مردم به عنوان مناسب ترین روش برای جلب اعتماد آنان و معنا بخشیدن به نحوه زندگی شان، آنرا تثبیت نمایند. زمانی برای هنر به گونه‌ای استدلال می‌شد که گویی دو نوع هنر، یکی هنر ناب، محض و خالص و دیگری هنر کاربردی ویا هنر بزرگ و هنر کوچک وجود دارد. امروزه دیگر چنین تمایزی بین هنر وجود ندارد. تعریف هنر که در دوران اخیر موجب اغتشاشها و ابهام های زیادی شده بود، رفته رفته جایگاه خود را از دست می‌دهد. هنر می‌رود تا مانند دوران قدیم به «پیشه» باز گردد، دورانی که هنرمند از سوی جامعه فرا خوانده می‌شد تا با برقراری ارتباط بصری مردم را از رویادهای مذهبی معینی آگاه کند.

## هنرمند خلاق و زنده:

هنرمند خلاق، هنرمندی است که توانا به خلاقیت و آفرینش هنری و قادر به شناخت و درک کامل تمام نیازهای انسانی باشد، از روبرو

شدن با مسایل جدید وحشتی نداشته باشد و در کار خود مستقل از کلیشه عمل کند. آن وقت است که هنرمندی مفید و در خدمت ایجاد جامعه‌ای متعادل ساخته خواهد شد.

بعبارتی دیگر، هنرمند خلاق و زنده، هنرمندی است که با روش حرفه‌ای خود، تجدید کننده رابطه میان هنر و مردم است و با فروتنی خود و نیاز سنجی جامعه و با بهره‌گیری از مناسب ترین فنون و امکانات، آن هنر را برای مردم به خدمت می‌گیرد و به نیازهای انسانی مردم عصر خویش پاسخ می‌گوید و از غرورهای کاذب هنری یا انزوای هنری دوری می‌جوید. لذا هنرمند جاویدان شخصیتی است که در حوزه وسیعی از فعالیت انسانی عمل می‌کند.

اگر چه همانطور که همه می‌دانیم هنر صرفاً فن نیست بلکه هنر واقعی می‌تواند با هر وسیله‌ای به خلق و آفرینش آثار هنری بپردازد. اما می‌توان پرسید، اگر هنر کاربردی نیست، پس چیست؟!

محیط امروزی زندگی ما در برگزیده طیف وسیعی از اشیایی است که به نوعی مستقیم و یا غیر مستقیم از هنر بهره می‌جوید. به قول آیت الله خامنه‌ای رهبر اندیشمندان و هنرمندان ما، ویژگی هنرمند خلاق عبارتند از: «نوآوری، ابتکار، پیشرفت در زبان اسلوب و شیوه‌های رایج، و در عین حال پاسخ به عشق‌ها و نیازهای مردم.»

## فرآیند خلاقیت

نگاه کردن متفاوت به مسأله و رسیدن به یک راه حل جدید، همان چیزی است که عموماً از آن به خلاقیت تعبیر می‌شود. خلاقیت در حقیقت، فرآیندی است که در ذهن فرد خلاق و آفرینشگر اتفاق می‌افتد و حاصل آن شکل گرفتن یک ایده جدید یا یک راه حل ابتکاری است. توجه به خلاقیت در افراد، نه تنها باعث می‌شود که افراد از کار خود احساس رضایت بیشتری کنند، بلکه در پیشبرد سازمان و افزایش بهره‌وری و رسیدن به موفقیت‌ها بزرگ سهم عمده‌ای دارد. خلاقیت با هوش، دانش و مهارت تفاوت دارد. بکارگیری خلاقیت کمک می‌کند تا قالب ذهنی خود را کنار بگذاریم و یک جور دیگر به پدیده‌ها و اتفاقات دور و برمان نگاه کنیم. با تفکری تازه و نوین، با یک زاویه‌ی جدید و بدون پیش فرض با ابداعی تازه و راه حلی مناسب و درخشان، رقابت خلاقانه‌ای داشته باشیم و از محیط خلاقان از هر حیث لذت ببریم.

## تعریف خلاقیت

لغت‌نامه روانشناسی پنگوئن می‌گوید: «خلاقیت، عبارتست از فرآیندهای ذهنی که منجر به یافتن راه حل‌ها، ایده‌ها، مفهوم‌سازیه‌ها، شکل‌های هنری، تئوریها و فرآوردهایی می‌شود که بی‌همتا و تازه هستند. برای تعریف خلاقیت اساساً

لازم است که محصول تولید شده، مناسب با موقعیتی باشد که بخاطر آن خلق شده است.

## تکنیک‌های ایجاد و پرورش خلاقیت

خلاقیت یک ویژگی ذاتی و ارثی نیست بلکه یک توانایی فردی است که می‌تواند به یک اختراع یا ایده‌ای بکر توسط فرد خلاق منجر شود و این توانایی در نوع بشر عمومیت دارد. «کیتینگ» مفهوم خلاقیت را توسعه بیشتری بخشیده و برای ایجاد رفتاری خلاق، رشد و تحول چهار دسته از مهارت را ضروری می‌داند:

- توانایی تفکر با خلق راه حل‌ها متفاوت یک مسئله
  - معلومات وسیع و تجربه مفید در زمینه خلاقیت.
  - توانایی برقراری ارتباط برای (تبادل تجربیات و معلومات).
  - توانایی تجزیه و تحلیل انتقادی.
- بعلاوه (انگیزه) که یکی از مهم ترین اجزاء و عناصر خلاقیت است.

## - محورهای اصلی پرورش خلاقیت:

- جلوگیری از قضاوت فوری.
  - درک اصل مطلب در حل مسأله
  - شک و تردید داشتن و اسیر فرضیات شدن.
  - تجسم قوی اشیاء، مفاهیم و فرآیندها.
  - تخیل.
  - نگرش جدید و متفاوت.
- موانع خلاقیت:**
- آموزش ناهموس با کارآفرینی و خلاقیت
  - استفاده از الگوهای قالبی.
  - شتابزدگی در ارزیابی.
  - تأکید بر مفروضات قبلی.
  - فشارهای اجتماعی.
  - چاره جویی های کوتاه مدت.

## - ابداع و نوآوری:

انتشار نوآوری خلاقیت ایده تصور: فرآیند نوآوری «نوآوری»، تبدیل خلاقیت به نتیجه عینی است. عبارت دیگر: نوآوری یا ابداع، کاربردی و عملی افکار و اندیشه‌های نو و بدیع ناشی از خلاقیت یعنی تبدیل خلاقیت به (نتیجه) یا همان سواست.

## فرآیند نواندیشی و خلاقیت هنری:

به اعتقاد «بوهم»، «روحیه هنری» که بعنوان

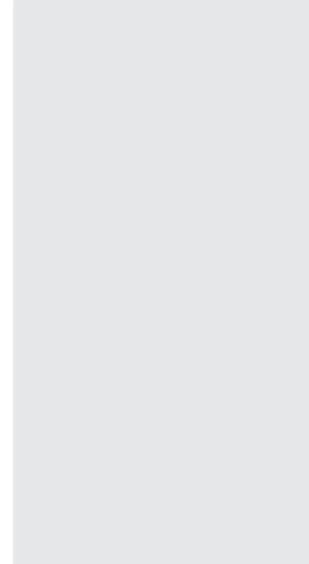
طلب و تلاش برای درک و رسیدن به تناسب و زیبایی در دنیای درون و بیرون تعریف شده است، اساساً هم‌نیاز آحاد بشر است و هم قابلیت است که در همه افراد می‌تواند احیاء و تقویت شود و این میان هنرمندان و دانشمندان خلاق کسانی بوده‌اند که توانسته‌اند در فراسوی موانع و محدودیت‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی و با عبور از عادات ذهنی استحکام یافته در بطن محیط پیرامون خود، افق‌های تازه خلاقیت و نو اندیشی را در مقابل خویش بگشایند و از طریق آموختن مهارت‌ها و روش‌های متناسب با درک و دریافت تازه خود از پدیده‌های طبیعی، انسانی و اجتماعی که بصورت عام در برابرشان حضور داشته است و با به وجود آوردن ابزارها و تکنیک‌های مورد نیاز، به خلق آثار و اندیشه‌ها، روش‌ها و نظریه‌های نو نایل شوند.

## تهدیدهای درونی و بیرونی فرآیند خلاقانه هنری:

آنچه در امکان ورود افراد به فرآیند خلاقانه ذهن نقش تعیین کننده‌ای دارد، آگاهی دقیق و حساسیت همیشگی نسبت به موانع درونی و بیرونی است، موانعی که به واسطه توهمات، تلقیات و پنداره‌ی غیراصیل، ذهن انسان را به بند می‌کشند و از پرواز آن به افق‌های فکری، عقلی و حسی جدید و بدیع جلوگیری می‌کنند در کنار این (تهدیدها)، قیدها و آموزه‌های باز دارنده محیطی، تربیتی و اجتماعی نیز هستند که زوال انگیزه‌ها و محرک‌های موثر در خلاقیت و نواندیشی را موجب می‌شوند.

## - نقش بنیادین کارآفرینی:

در آستانه هزاره سوم میلادی، فرآیند تغییر و تحول مستمر و پرشتاب از عمده‌ترین جریان‌های حاکم بر حیات بشری و از مهم ترین، مشخصات بارز آن به شمار می‌رود و فرآیند کارآفرینی و خلاقیت که اساس و بستر ساز تغییر و تحول و دگرگونی است در این خصوص نقش بسیار بنیادین و تعیین کننده‌ای ایفا می‌کند. افراد، سازمانها و جوامعی که نتوانند خود را با این تحولات پرشتاب همگام کنند، دچار حالت ایستایی، توقف و سکون شده، بی‌شک در آینده حضور فعالی نخواهند داشت



و سرانجام دچار اضمحلال می شوند. در این میان افرادی هستند که در این دریای پر تلاطم انقلابهای پی در پی، بر روی موج ها سوار بوده و در زمانی که همگن بر هرج و مرج، نابسامانی، تناقض و عدم تعادل ادغان دارند، آنها بدنبال بدست آوردن فرصتی هستند تا بتوانند با بهره مندی از دگرگونی ها و با ارایه ی محصول و یا خدمت جدیدی به جامعه، تعادل را برقرار کرده و اوضاع را سامان بخشند و ارزشی از خود بجای گذارند و سبب پیشرفتِ بارزتر سازمان و نهایتاً کشور خود گردند.

### تعریف کارآفرینی:

کارآفرینی، فرایند خلق چیز جدید و با ارزش است، با اختصاص زمان و تلاش لازم، در نظر گرفتن ریسک های مالی، روانی و اجتماعی و رسیدن به رضایت فردی، مالی و استقلال. تقریباً در همه تعاریف کارآفرینی، این توافق وجود دارد که در مورد رفتاری بحث می کنیم که:

- ۱) پیشگام است.
- ۲) ساز و کارهای اجتماعی و اقتصادی را برای تبدیل منابع و موقعیت ها به وضعیت عملی، سازماندهی یا سازماندهی مجدد می کند.
- ۳) با مخاطره و شکست همراه است.

### فرهنگ کارآفرینی:

با ایجاد ایمان و احترام به علوم و دانش جدید، در بین مردم و رایج کردن فرهنگ علم و مخصوصاً ترویج سطوحی از دانش کارآفرینی به سطح عمومی جامعه و وارد کردن فرهنگ کسب و کار به منظور عملی کردن مشاغل و توسعه مشاغل مبتنی بر دانش به نحوی که موقعیت هر کس منوط به دانش باشد که در کسب و کار خود بکار می بندد، می توان علم کارآفرینی را با نیازها و مشکلات اجتماعی پیوند داد و فرهنگ کارآفرینی را در بدنه اجتماع نهادینه کرد.

### ملزومات کارآفرینی:

توسعه کارآفرینی یکی از نیازهای ضروری و جدی اقتصاد ارکد ایران است. امروزه کارآفرینی موتور محرک توسعه اقتصادی کشورهاست.

کارآفرینی مانند هر چیز دیگر ملزومات خاص خودش را دارد. شاید «سرمایه» یکی از مهمترین ارکان در شروع یک فعالیت اقتصادی باشد، اما قطعاً همه آن نیست. دانش و توانایی مدیریت، خلاقیت، شناخت ایده و فرصت، دانش اقتصادی، شناخت اوضاع بازار و نیازهای آن و از همه مهم تر، باور داشتن اینکه «من می توانم کار جدیدی را شروع کنم» مسائلی هستند که در تولد یک کارآفرین و ایجاد عزم و اراده در وی نقش اساسی دارند. بویژه فرهنگ سازی (حتی از کودکی) و فراگیری صحیح و مهارتهای لازم.

### روش کار آفرین:

کارآفرین بمنظور تحقق ایده اش عوامل مورد نیاز مانند نیرو انسانی، تجهیزات، مواد اولیه و سرمایه را فراهم می آورد و با استفاده از قدرت تصمیم گیری، مهارت ها و استعداد های فردی، ایده اش را محقق می سازد و بوسیله طراحی، سازماندهی، راه اندازی و مدیریت واحد جدید، به کسب درآمد می پردازد. همچنین در این راه خطرات شکست را به دلیل فعالیت در محیط غیر قابل کنترل و مبهم می پذیرد. به طور خلاصه کارآفرینان سازمان دهنده و فعال کننده یک واحد اقتصادی (یا غیر اقتصادی) بمنظور دستیابی شناسایی راه حل ها، بدست آوردن آنها و تبدیل آنها به فرآورده های موفق بازرگانی، از استعدادهای مهم کارآفرینان است. عبارات دیگر: فرآیند کارآفرینی تنها خلق محصول و یا خدمتی جدید نیست بلکه محصول جدید است که متناسب با نیازهای بازار و تقاضای موجود باشد و بتوان آنرا به جامعه ارائه نمود.

در نیاز به «توفیق» یعنی نیاز فرد به مقبولیت یافتن سه خصیصه روانشناسی را در کارآفرینی ذکر کرده اند:

- ۱) مسئولیت پذیری فرد در حل مشکلات و تعیین اهداف نیل به آن با تلاش شخصی
  - ۲) ریسک پذیری متعادل که تابع مهارت در عملکرد است نه شانس
  - ۳) آگاهی به نتایج حاصل از اجرای کار یا تصمیم
- اهمیت بالای ارزشهای فردی در کارآفرینان قابل امعان نظر است. ارزشهایی همچون پشتیبانی، تهور، صداقت، خیرخواهی، پای بندی به اصول اخلاقی، قابلیت انطباق، خلاقیت، بنیادگذاری، فرصت طلبی و منبع یابی در تشخیص کارآفرینان مهم است اگر چه این پارامترها در افراد متفاوت جلوه می کند. انگیزه هایی که سبب می شود فرد به تنهایی به

فعالیت کارآفرینانه دست بزند، بسیار متنوع اند. دلیلی که بیش از همه برای کارآفرین شدن ذکر می شود «استقلال» است، یعنی فرد نخواهد برای کس دیگری کار کند و تمایل به اینکه فرد رئیس خودش باشد. در بین مردان اغلب «پول» عامل دومی است که فرد را وادار می کند تا فعالیت کارآفرینانه نوپای خود را آغاز کند، در حالیکه در بین زنان به ترتیب اولویت، رضایت شغلی، توفیق، فرصت پیشرفت و پول انگیزه های اصلی است. البته این انگیزه ها به عوامل همچون فرهنگ، اعتقاد، جغرافیا، شخصیت، موقعیت شغلی، سن، جنس و خانواده و ... بستگی دارد. یکی از دیگر از کلیدهای مهم موفقیت در کارآفرینان، داشتن شبکه پشتیبانی روحی (خانواده، دوستان) و شبکه پشتیبانی تخصصی برای مشورت و راهنمایی گرفتن متشکل از (استاد، همکار، موسسات و ...) منابع و شیوه های لازم و موثر در کارآفرینی است.

### تفاوت اشتغال زایی و کارآفرینی:

هر گونه سرمایه گذاری اشتغال زا و نیز هر گونه مهارت فنی و حرفه ای اشتغال زا را نمی توان کارآفرینی نام نهاد زیرا کارآفرینی سه نتیجه مفید برای جامعه دارد:

- ۱- ثروت و رفاه
- ۲- نوآوری تأثیر گذار
- ۳- اشتغال مفید.

### طرح تجاری:

اولین و مهم ترین قدم برای شروع راه اندازی یک کسب و کار و همانند یک نقشه راهنما برای واضح کردن ایده و تصمیم کارآفرین است. طرح تجاری فعالیت تجاری شما و چهارچوب کارتان را مشخص می کند، دورنمای جایی که می خواهید به آن برسید ترسیم می کند و مثل یک نقشه گنج، نشان می دهد از کجا بروید بهتر است، و مرجع خوبی برای تصمیم گیری است و رابطه بین (هنر) و خدمات شما و مشتری و محیط کار را ترسیم می کند.

### کارآفرینان حرفه ای و کار آفرینان تصادفی:

امروزه کار آفرینان حرفه ای که نسل جدید از مدیران را تشکیل می دهند وارد بازار کار شده اند. آنان یا کارهای نوپا را شروع می کنند یا در کارهای معمولی، نوآوری می کنند. این افراد بشدت پرشورند و تفکری استراتژیک دارند، شجاع اند و روحیه ی رقابت دارند، به مردم، محیط زیست و جامعه شان اهمیت می دهند، کارشان را شوخی نمی گیرند. این ها کارآفرینان حرفه ای هستند. نوع دیگری از کارآفرینان هم وجود دارند، کارآفرینان تصادفی، این کارآفرینان اولین بار است که به صرافت می افتند برای خودشان کار کنند.

کار پیچیده است، منابع محدودند و وقت طلاست. جایی برای اشتباهات بزرگ ندارد. صاحب کارها نمی توانند به تنهایی همه چیز را بدانند یا هم کار را انجام بدهند، به همین جهت افراد دیگری هم ممکن است وارد کار شوند، علاوه بر این، کار شما ممکن است محتاج پول دیگران باشد. کارآفرینان حرفه ای، در این حالت، دوست دارند سریع فکر کنند و سریع عمل کنند. طرح تجاری یک روش نوپا برنامه ریزی کاری و کاتالیزوری برای ایده های شماست. طرح تجاری ابزار قدرتمندی است برای ایجاد و اداره ی فعالیتها در قرن ۲۱. طرحی کوتاه، مختصر و مفید برای بیان برنامه شما به شکل سریع و موثر. چشم انداز، فکرتان قالب و چهارچوب پیدا می کند آن وقت است که می فهمید دقیقاً چگونه آغاز کنید.

### استراتژی قرن ۲۱:

- ۱) قیمت همه چیز نیست
- ۲) سریع عمل کنید و به سرعت رشد کنید.
- ۳) اجرای خوب (طرح تان را به بودجه تبدیل کرده و با سرمایه دار، شرکت و یا ... صحبت کنید و به خوبی بر اجرای آن مدیریت کنید)
- ۴) مطابق برنامه عمل کنید.
- ۵) نوب چشم باشید (سعی کنید مرجع شرکت های دیگر باشید)
- ۶) با نوشتن مقاله، خبرنامه، کتاب، صفحات اینترنتی و صحبت با کسانی که به شما گوش می دهند، وقت و تخصص تان را در اختیار دیگران قرار دهید.
- ۷) سعی نکنید همه کارهای مهم را با هم انجام دهید، بلکه بهتر ست روی کاری که بهتر میدانید، متمرکز شوید (کارهای دیگر را خلاصه کنید یا اصلاً کنار بگذارید)
- ۸) بهترین کارمندان (و همکارانتان) را در فعالیت (اقتصادی) بکار گرفته و سهمی نمایید.

### نتیجه:

درک کامل هنرمندان، سبک های زندگی آنان و محدودیت هایشان پیش شرط برنامه ریزی برای هنرمندان است. برای رفع نابسامانی در هنر، هم باید روش های کارگشا را داشت و هم نهادهای لازم را. دگرگونی و سازماندهی اشتغال، گسترش فرصتهای شغلی، ایجاد امنیت شغلی، ایجاد مکانیسم های حمایتی، تسهیل در خدمات دهی، تأمین اجتماعی و بیمه مشاغل هنری، ایجا رضایت شغلی و ... و در کنار همه آنها آموزش کارآفرینی و ایجاد فرهنگ کارآفرینی و داشتن نگرش سیستمی همه و همه راهبردهای مکمل و کارگشا در اشتغال زایی و رفع مظلومیت ها و محرومیت های شغلی هنرمندان خواهد بود.

به امید آن روز